

دانشگاه فرهنگیان

فصل‌نامه علمی-ترویجی آموزش پژوهی

سال هفتم، شماره بیست‌وهشتم، زمستان ۱۴۰۰

بررسی و نقد بومی‌سازی آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان:

مطالعه تطبیقی دو رمان کودک فیلسوف لیلا و لیزا کودکی در مدرسه

حمیده گرگی^۱، امین ایزدپناه^۲

دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۹

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی دو رمان کودک فیلسوف لیلا و لیزا کودکی در مدرسه است. کودک فیلسوف لیلا نمونه‌ای است از تلاش‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که با هدف بومی‌سازی محتوای مورد استفاده در جنبش فبک، بر اساس پیش‌متن آن، یعنی اثر لیپمن. در این پژوهش بر آنیم تا با بررسی تفاوت محتوایی دو اثر، ضمن شناسایی تفاوت محتوایی آنها، ماهیت رویکرد بومی‌سازی اثر را بشناسیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییرهای اعمال‌شده برای بومی‌سازی بیشتر در این موارد انجام شده است: ۱. نام‌ها، ۲. شعر، ۳. زمان، ۴. مکان، ۵. توصیف‌ها، ۶. ترجمه، ۷. محتوا، ۸. روابط، ۹. فراموشی مؤلف، ۱۰. تضاد و ۱۱. حذف و اضافه. بنابر تحلیل تطبیقی محتوای دو اثر بررسی‌شده و نیز تأمل در ماهیت مؤلفه‌های مورد شناسایی، می‌توان ادعا کرد رویکرد حاکم بر بومی‌سازی در این اثر از نوع تهذیبی/پالایشی است و صرفاً تلاش شده منطبق با فرهنگ جامعه‌ی هدف متن اصلی تغییر یابد. بنا بر این تحلیل نمی‌توان کودک فیلسوف لیلا را اثری تألیفی تلقی کرد و خلق آثار بومی برای برنامه‌های فبک/ فباک گزینه منطقی‌تری است تا بومی‌سازی تهذیبی.

کلید واژه‌ها: آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان. لیزا کودکی در مدرسه. کودک فیلسوف، لیلا. بومی‌سازی فبک. بررسی تطبیقی. رمان فلسفی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران، نویسنده مسئول، rahvar20@yahoo.com
۲. استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، ایران.

مقدمه و بیان مسأله

جنبش فلسفه برای کودکان نزدیک به نیم قرن است که به‌عنوان یک رویکرد آموزشی در کشورهای مختلف از جمله ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جنبش از همان آغاز و برای پیش‌برد اهداف آموزشی‌اش ضمن درک اهمیت محتوای مناسب آموزشی، برای تولید چنین محتوایی نیز اقدام کرده است. براساس تعریف لیپمن آنچه فلسفه برای کودکان و نوجوانان نامیده می‌شود، تلاشی است برای بسط فلسفه، با این هدف که بتوان آن را همانند نوعی آموزش به کار برد. این فلسفه، آموزشی است که در آن از فلسفه برای واداشتن ذهن کودک به کوشش جهت پاسخ‌گویی به نیاز و اشتیاقی که به معنا دارد، بهره برده می‌شود (لیپمن در ناجی، ۱۳۹۳: ۲۸). به عبارت ساده، در فلسفه برای کودکان، اندیشه را به کودکان آموزش نمی‌دهند، بلکه تلاش بر این است که کودکان مهارت اندیشیدن را فراگیرند. با گسترش اقبال به این رویکرد آموزشی، برخی از رهپویان جنبش فبک در کشورهای مختلف از جمله در ایران کوشیده‌اند این رویکرد را با توجه به الزامات و موقعیت بومی خود هماهنگ سازند؛ بخشی از این کوشش‌ها متوجه متن‌های مورد استفاده در جنبش فلسفه برای کودکان بوده است. برای نمونه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های خود در جهت بومی‌سازی جنبش فلسفه برای کودکان، رمان *کودک فیلسوف لیلیا* را به عنوان اقتباسی از کتاب *لیزا نوشته متیو لیپمن*، بنیان‌گذار برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است. پیش از آن نسخه پیش‌متن با عنوان *لیزا کودکی در مدرسه* در سال ۱۳۸۹ با ترجمه حمیده بحرینی از سوی همین مرکز در اختیار مخاطبان قرار گرفته بود. بومی‌سازی در یک معنا عبارت است از «اشاعه، انطباق و رشد پارادایم دانش، فناوری، هنجارهای رفتاری و ارزش‌های محلی در موقعیت و بستر خاص» (قاسم‌پور، دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱). از این منظر دانش بومی، دانشی است که در بستر اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ویژه‌ای قرار دارد. برخی صاحب‌نظران، بومی‌سازی را با اسلامی‌سازی و علم دینی امری واحد فرض گرفته‌اند (باقری، ۱۳۸۷؛ برزگر، ۱۳۸۹؛ خواجه‌سروی، ۱۳۸۹؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ هدایتی، ۱۳۹۰؛ تقوی، ۱۳۹۱؛ نوذری، ۱۳۹۱). با وجود این، بومی‌سازی بیشتر در ارتباط با آن دانش یا علمی است که با بستر تاریخی و فرهنگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی یک جامعه سنخیت یافته است و پدیده‌ای تاریخی به‌شمار می‌رود اما علم اسلامی، نسبی و محدود به محل و مکان خاصی نیست، بلکه فرامکانی و فرازمانی است؛ بومی کردن در معنای خودش محلی بودن و تاریخی بودن را دارد (پارسائیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰). بنابراین بومی‌سازی از یک سو تلاشی است برای فراهم ساختن دانشی که بنیاد آن بر پایه بومی خاص بنا شده است و از سوی دیگر هماهنگ ساختن بنیادهای نظری یا فرآورده‌های آن فرهنگ بومی مشخص است.

همان‌طور که جنبش فلسفه برای کودکان یکی از اهداف خود را رشد مهارت‌های انتقادی قرار داده، بررسی موشکافانه و نقد خود این رویکرد نیز امری حیاتی است. در این میان نقد و بررسی محتوای آموزشی این جنبش، از جمله محتوای بومی‌سازی شده آن، ضروری به نظر می‌رسد. توجه به این نقد، اصلاح و بازسازی را افزون بر این که در تأکید این جنبش بر رشد تفکر انتقادی در کودکان و استفاده از آن در حلقه کندوکاو فبک می‌بینیم، در رویکردهای متفاوتی که در کشورهای مختلف نسبت به این جنبش ایجاد شده است نیز می‌توان مشاهده کرد. شارپ که یکی از متخصصان برنامه فبک است، پیشرفت این جنبش و به صورت کلی پیشرفت انسانیت را در تمایل آن نسبت به اصلاح، بازسازی و تغییر و تحول مدام می‌داند و مقاومت در برابر این تغییر و بازسازی را به ماندن در عصر تاریک تشبیه می‌کند. به گفته شارپ و لیمن کندوکاوها و پژوهش‌های مربوط به فبک، خوداصلاح و وابسته به شرایط و بافت محیط است و با توجه به این ویژگی‌هاست که شرایط و امکان شکل‌گیری ارزش‌های نو، ارتباط‌های نو و جهان‌بینی‌های جدید فراهم می‌آید (شارپ و لیمن در ناجی؛ ۱۳۹۳: ۸۵ و ۱۱۳). بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی رویکرد بومی‌سازی غالب در کودک فیلسوف لیلا است. در این مسیر دو پرسش پیش روی ما است: ۱. این دو اثر در چه زمینه‌هایی با یکدیگر متفاوت هستند؟ ۲. رویکرد حاکم بر بومی‌سازی محتوای پیش‌متن چیست و چه تأثیری در کارکرد و هدف متن ایجاد کرده است؟

این پژوهش مطالعه‌ای کیفی و یک تحقیق موردی تطبیقی است. تحقیق موردی تطبیقی شامل تحلیل و سنتز شباهت‌ها، تفاوت‌ها و الگوهای بین دو یا چند مورد است که تمرکز یا هدف مشخصی را دنبال می‌کنند (گودریک^۱، ۲۰۱۴). گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی صورت گرفته و برای داده‌کاوی از تحلیل محتوا به شیوه استقرایی (میرینگ^۲، ۲۰۰۰) استفاده شده است. واحد تحلیل در جریان داده‌کاوی همه واژگان و جمله‌های دو اثر (پیش‌متن و متن بومی‌سازی شده) در نظر گرفته شده است. با مقایسه مستمر و تطبیقی داده‌های حاصل از تحلیل محتوای دو اثر، تلاش شده ماهیت رویکرد بومی‌سازی در اثر دوم مشخص شود. به عبارتی با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های متن بومی‌سازی شده با پیش‌متن، تلاش شده رویکرد حاکم بر فرایند بومی‌سازی اثر شناسایی شود.

1. Goodrick
2. Mayring

پیشینه پژوهش

موضوع بومی‌سازی در رشته‌های مختلف در جهان مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌هایی در مورد آن صورت گرفته است. برخی از فعالان عرصه فبک نیز به این موضوع توجه کرده و نظرات خود را در این زمینه ارائه کرده‌اند که در ادامه تعدادی از این دیدگاه‌ها را از نظر می‌گذرانیم و پس از آن رویکرد و نگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را نسبت به این موضوع بررسی می‌کنیم.

یسپرسن از پیشگامان برنامه فبک در دانمارک بر این باور است که در ذهن کودکان، برخی از امور فراگیر و جهانی هستند و برخی دیگر از فرهنگی خاص نشأت می‌گیرند که کودک در آن تربیت می‌شود. به باور وی متون داستانی وابسته به فرهنگ هستند، بنابراین این متون می‌توانند به گونه‌ای تغییر یابند که مطابق و مناسب فرهنگ‌های دیگر شوند. او داستان‌های لیمن را متناسب با فرهنگ آمریکایی می‌داند و استفاده از آنها را برای بعضی از کشورها چون دانمارک مناسب نمی‌داند. از این رو توصیه می‌کند کتاب‌هایی متناسب با فرهنگ هر کشور توسط نویسندگانشان نوشته شود تا کودکان بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند (یسپرسن در ناجی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۵).

شارپ از چهره‌های سرشناس فبک در آمریکا معتقد است که داستان‌های فبک نه تنها باید ترجمه شوند، بلکه باید با فرهنگ کودکان نیز تطبیق داده شوند. به اعتقاد شارپ بعضی مسائل نباید در کشورهای خاصی مطرح شوند و یا بعضی از آداب و اتفاقات داستان‌ها ممکن است در کشورهای دیگر اصلاً وجود نداشته باشند و مترجم باید این موارد را با مسائل نزدیک جایگزین نماید. البته شارپ تأکید می‌کند که این جایگزینی نباید موجب تحریف و یا حذف بحث اصلی داستان شود، بلکه باید همان بحث را در میان کودکان ایجاد کند (شارپ در ناجی، ۱۳۹۳: ۶۲).

برینفیر از فعالان فبک در فرانسه نیز با این که برخی از موضوعات فبک را فراتر از تأثرات فرهنگی می‌داند، اما به آموزگاران ایرانی توصیه می‌کند بر پایه فرهنگ، ادبیات و استعداد‌های فلسفی ایران عرصه فبک را گسترش دهند و در توسعه این جنبش از سنت فلسفی غنی خود استفاده کنند و ابزارهای براساس پتانسیل‌های فلسفی و معرفتی فرهنگ خود ایجاد کنند (برینفیر در ناجی، ۱۳۹۳: ۱۴۱ و ۱۴۵).

گروه فبک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در یکی از نشست‌های خود که به بحث بومی‌سازی فلسفه برای کودکان پرداخته، از بومی‌سازی شش حوزه از جمله بنیان‌های نظری (نگرش به فلسفه، کودک و تعلیم و تربیت)، اهداف و کارکردها (چشم‌انداز)، روش (شیوه اجرای برنامه)، برنامه درسی (نگارش کتاب)، تسهیل‌گر یا مربی و ابزارهای اجرایی نام برده است. در این بحث‌ها بومی‌سازی قابل‌پذیرش، بومی‌سازی این شش حوزه در کنار یکدیگر دانسته شده است. همچنین دو معیار برای

بومی‌سازی عنوان شده است که عبارتند از: ۱. حفظ اساس و جوهره برنامه و ۲. مناسب‌سازی جزئیات و نظریات حاشیه‌ای (ناجی و همکاران، ۱۳۹۳). ناجی در دو مورد از مصاحبه‌هایی که با او انجام شده (پنج‌تنی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳) به بومی‌سازی فلسفه برای کودکان اشاره کرده است؛ او در مصاحبه‌ای با عنوان «فلسفه برای کودکان و تحول در نظام آموزش و پرورش» (پنج‌تنی، ۱۳۸۹) بومی‌سازی را مناسب‌سازی داستان‌ها براساس فرهنگ کودکان کشورمان دانسته که فعالیت‌های رادیکال نیست و باید ویژگی‌های جهانی و مطابق را حفظ کند. در مصاحبه دیگری با عنوان «فلسفه برای کودکان در بوته نقد» (پنج‌تنی، ۱۳۹۳) نیز بومی‌سازی از نظر ناجی این‌گونه تعریف شده است:

«به نظر من وقتی می‌گوییم چیزی را بومی‌سازی کرده‌ایم، یعنی جنبه‌های مثبت و بنیادین آن چیز را نگه داشته‌ایم و اگر تغییری داده‌ایم در جنبه‌های نامناسب و حاشیه‌ای (غیربنیادین) آن چیز داده‌ایم. و اگر چنین نباشد، نمی‌توان گفت که یک چیز بومی‌سازی شده است. البته شاید بتوان گفت من چیز جدیدی خلق کرده‌ام. ما باید بتوانیم نشان دهیم که این دو کار را درباره برنامه فبک و داستان‌های فبک انجام داده‌ایم. یعنی مؤلفه‌های بنیادین و مثبت برنامه یا داستان‌ها را نگاه داشته‌ایم و مؤلفه‌های حاشیه‌ای نامناسب یا منفی را تغییر داده یا حذف کرده‌ایم».

همچنین ناجی در نشست مربوط به نقد و بررسی متون ترجمه‌شده در فبک (۱۴۰۰)^۱، مفهوم بومی‌سازی در ایران را یک مفهوم مبهم دانسته و در تعریفی کلی بر این اعتقاد است که بومی‌سازی، متناسب‌سازی محتواها و داستان‌ها با فرهنگ و ارزش‌های ایران زمین است به گونه‌ای که کودکان بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند و به مسائل آنان پاسخ داده شود. ناجی در این نشست به بومی‌سازی کتاب *کودک فیلسوف لیلیا* نیز اشاره کرده و گفته است در این کتاب سعی او بر این بوده که نوعی متناسب‌سازی را انجام دهد و با حفظ نقاط مثبت و جنبه‌های فلسفی این اثر مشکلات و ارزش‌های فرهنگ خودمان را نیز مد نظر قرار دهد. بنابراین با توجه به موارد بالا باید دو معیار و ملاک برای بومی‌سازی در نظر گرفته شود: ۱. حفظ مؤلفه‌های بنیادین و مثبت برنامه یا داستان‌های کشور مبدأ و ۲. مناسب‌سازی جزئیات و مؤلفه‌های حاشیه‌ای نامناسب برای کشور مقصد.

۱. گروه فبک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۸۷ به صورت رسمی کار خود را برای معرفی، نقد و پیشبرد فلسفه برای کودکان و نوجوانان در ایران آغاز کرد. از اقدامات این گروه می‌توان به ترجمه و نگارش مقالات و کتاب‌ها، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها و اجرای طرح‌های متنوع اشاره کرد. سلسله نشست‌های نقد فبک در ایران و معیارهای آن نیز در بهار ۱۴۰۰ در جهت نقد عناصر مختلف فبک در پنج جلسه برگزار شد که نشست چهارم به نقد و بررسی متون ترجمه‌شده در فبک اختصاص یافت.

با وجود این که گروه فیک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رویکرد روشن و صریح خود را نسبت به بومی‌سازی فلسفه برای کودکان مشخص نکرده است، اما در نشست بومی‌سازی فلسفه برای کودکان (با حضور روح الله کریمی، مهرانوش هدایتی و سعید ناجی) که در تاریخ ۴/۹/۱۳۹۳ توسط همین گروه برگزار شده، کتاب *کودک فیلسوف لیلا* مقدمه بومی‌سازی فلسفه برای کودکان و مناسب‌سازی برای مدارس ایران معرفی شده است.

پژوهش‌های اندکی به بررسی اقتباس ایرانی اثر لیمن پرداخته‌اند که از آن میان می‌توان به مقاله‌های «کودک فیلسوف، لیلا» (موسوی، ۱۳۹۱) و «لیزا و لیلا، تمایزها و شباهت‌ها» (کرمانی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. البته هیچ یک به صورت عمیق و دقیق به مطالعه و نقد شگردها و رویکرد حاکم بر بومی‌سازی در این اثر نپرداخته‌اند و تنها به برجسته‌سازی کارکردهای مثبت این اثر توجه نشان داده‌اند. موسوی (۱۳۹۱) به صورت مختصر به معرفی تحلیلی کتاب *کودک فیلسوف لیلا* پرداخته است و مهم‌ترین برتری این کتاب را نسبت به دیگر مجموعه داستان‌های فکری موجود در بازار، قهرمانان آن دانسته که از جنس کودکان ایرانی هستند، در همان مکان زندگی می‌کنند و دغدغه‌های مشابهی با کودکان ایرانی دارند. کرمانی (۱۳۹۱) نیز به معرفی تحلیلی دو کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* و *کودک فیلسوف لیلا* پرداخته است. در این پژوهش کتاب *کودک فیلسوف لیلا* به عنوان نمونه‌ای بومی‌سازی شده معرفی شده است که با ارزش‌ها و سایر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران سازگار شده و برای حلقه‌های کندوکاو داخل کشور قابل استفاده است.

یافته‌ها

در ادامه فهرستی از تفاوت‌های پیش‌متن و متن بومی‌سازی شده همراه با جزئیات آنها در مقوله‌های اصلی و فرعی عرضه شده است^۱. بیشترین تغییر در این میان از آن‌ها است که گاهی با تغییر جنسیت افراد نیز همراه بوده و در بسیاری موارد این تغییرات به تغییر نوع و ماهیت رابطه افراد در اثر نیز انجامیده است. در جدول‌های بعد برخی تغییرات ایجاد شده در متن *کودک فیلسوف لیلا* در مقایسه با متن *لیزا، کودکی در مدرسه* آورده و سپس به بررسی برخی تأثیرهای حاصل از این تغییرات به نسبت پیش‌متن پرداخته‌ایم.

۱. برخی از نمونه‌ها و مثال‌های مربوط به تغییر اسامی، زمان و مکان، توصیف و ترجمه و همچنین مقوله حذف و اضافه به دلیل در نظر داشتن محدودیت‌های فضای اختصاص یافته به هر مقاله در مجله حذف شده‌اند.

جدول ۱. تغییر اسامی

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
افراد و جنسیت	
لیلا (۱)	لیزا (۱۷)
مهری (۲)	میکی (۱۸)
لیلا ترابی (۲)	لیزا تری (۱۸)
آقای جهان‌پرور (۲)	آقای جانسون (۱۸)
رعنا کمالی (۳)	رندی کلارک (۱۹)
ماهرخ (۳)	مارک (۱۹)
فرانک (۶)	فران (۲۲)
بیبا (۷)	بیل (۲۳)
پری (۷)	هری (۲۴)
تمبر پروین اعتماسی (۱۹)	تمبر کلدونای جدید (۳۵)
تمبر یادبود ارگک بم (۱۹)	تمبر یادبود آلمانی (۳۵)
لیدا (۲۱)	لورا (۳۷)
برادرش، «امین» (۲۱)	خواهرش، «مری» (۳۷)
پویا (۲۱)	جین (۳۷)
لاله (۲۳)	لوتر (۳۹)
خانم اسفندیاری (۲۴)	آقای اسپنس (۳۹)
خانواده جهانی (۳۳)	خانواده جانسون (۴۹)
مریم (۳۳)	ماریا (۵۰)
ثریا (۷۵)	جانی (۹۱)
فردین (۷۹)	فرد (۹۵)
پسر عمویم، انا (۱۴۱)	دختر عمویم، نو (۱۵۵)
هادی (۱۷۳)	هیدر (۱۹۱)
موسیقی	
شجریان (۵)	بتھوون (۲۱)
چهارگاه (۵)	سمفونی چهارم (۲۱)
تار (۱۴۱)	ویولون (۱۵۶)
قطعه‌ای از بیات اصفهان (۱۴۱)	قطعه‌ای از باخ (۱۵۶)

حیوانات	
سنجاب (۱۸)	گر به (۲)
شکار اردک (۱۹).	ماهگیری (۳).
خوکچه هندی (۶۵)	خرگوش کوچک (۴۹)
دلفین ها (۱۱۲)	اردک ها (۹۶)
خوک (۱۲۰)	اسب (۱۰۳)
ماریو (۱۷۳)	خپل (۱۵۷)
شهرها	
پرو (۱۱۱)	صحرا (۹۴)
آلاسکا (۱۱۲)	جنگل های حفاظت شده مازندران (۹۶)
هاوایی (۱۵۵)	بندرعباس (۱۴۱)
واشنگتن (۱۵۵)	تبریز (۱۴۱)
لباس ها	
—	یک پیراهن رسمی و بلند (۷۹)
تی شرت (۹۶)	تونیک (۸۰)
پیراهن (۹۶)	پیراهن ماکسی (۸۰)
لباس (۹۷)	تونیک و شلوار (۸۱)
ورزش و بازی	
تیم تیراندازی (۴۳)	تیم بسکتبال (۲۶)
بازی بیسیال (۹۸)	بازی بدمینتون در پارک نزدیک خانه مهري (۸۲)
طناب بازی کتم (۱۱۹)	پیانو بزمن (۱۰۲)
قایق سواری (۱۶۱)	گردش علمی (۱۴۵)
فوتبال (۱۶۷)	والیبال (۱۵۱)
واحد پول	
یک سنت (۳۶)	یک تومان (۲۰)
چند دلار (۱۵۳)	مقداری پول (۱۳۸)
شخصیت طنز نمایشی	
ابوت و کاستلو (۳۰)	تام و جری (۱۴)
درخت	
درخت جوان غان نقره ای (۶۷)	درخت جوان تبریزی (۵۱)

جدول ۲. تغییر شعرها

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود/ بار بریست و به گردش نرسیدیم و برفت/ روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت/ ای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت (۷۶)	و بعد، وقتی خورشید به آرامی در پشت تپه‌های ارغوانی رنگ فروخفت، ما با قهرمانانمان، که دست در دست یکدیگر در غروب آفتاب قدم می‌زدند، وداع کردیم (۹۲)
سادگی، آزادگی؛ موهبتی از خداست صاف و زلال همچو آب شاد چو مرغان رها تا که به راه درست پای نهیم همچو رود تا که به دریا رسیم شاد و خرامان و زود سادگی راستین، گنج گران‌مایه‌ای است در ره آن از خضوع، شرم و حیا منتفی است بال گشاییم به عشق، اوج بگیریم به حق تا که بیابیم حق تا که ببینیم عشق (۱۶۷)	موهبتی است که ساده باشیم موهبتی است که آزاد باشیم بودن در جایی که باید باشیم موهبتی است و آن وقت که در جایگاه درست خود هستیم ما در سرزمین عشق و شوریم. آن وقت که به سادگی راستین دست یابیم از کرنش و خضوع شرمسار نخواهیم بود. چرخیدن و چرخیدن، این است شعور ما تا آن وقت که با این چرخیدن‌ها به خود آییم (۱۸۵)

جدول ۳. تغییرات زمان و مکان

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
ناهار (۲). (۱۲)	شام (۱۸). (۲۸)
شیمیا گفت: در ساختمان پست، روبروی مدرسه، به مناسبت روز جهانی پست (۱۹)	—
مشغول خوردن پیتزا بودند (۲۰)	توی یکی از غرفه‌ها نشسته بودند و شام می‌خوردند (۳۶)
ساعت ۹ بود که امین برگشت، پدر و مادرش هنوز از مهمانی برنگشته بودند (۲۱)	دیروقت بود که مری برگشت (۳۷)
حدود پنج دقیقه (۱۳۳)	شاید ده دقیقه (۱۴۹)
توی کیف پولت گذاشته‌ای (۱۹)	توی جیبت گذاشته‌ای (۳۵)
کلاس‌های مدرسه را رنگ کنند (۲۷)	سقف مدرسه را قیرگونی کنند (۴۳)
پله‌های پارک (۵۹)	پله‌های پلکان اضطراری (۷۵)
ساعت فروشی، که ساعت‌های مچی گران‌قیمتی در آن می‌فروخت (۱۳۳)	مغازه اجناس جین (۱۴۹)

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لیلا
امسال یک عمارت قدیمی اعیانی انتخاب شده بود. آن عمارت جایی بود که در صد سال گذشته چند نفر از دولتمردان در آن زندگی می کرده‌اند و حالا قسمتی از یک پارک ایالتی بود (۱۶۱)	برنامه امسال دیدن یک کتیبه قدیمی از دوره قاجار بود که به دستور فتحعلی شاه قاجار حکاکی شده بود. آن کتیبه در اطراف رودخانه‌ای در تنگه واشی، اطراف فیروزکوه بود (۱۴۵)
روی صندلی‌های تاشوی جلوی قایق نشسته بودند (۱۶۳)	روی سنگی کنار رودخانه نشسته بودند (۱۴۷)
جاده‌ای (۱۶۴)	دشتی (۱۴۸)
جنگل (۱۶۴)	اطراف رود (۱۴۸)
جنگل (۱۶۴)	تنگه (۱۴۸)

جدول ۴. تغییر توصیف‌ها

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لیلا
بفرما، این هم آینه. حالا دیگر می‌توانی جلوی‌باشینی و آرایش کنی (۱۷).	بفرما، این هم آینه. حالا دیگر می‌توانی موقع بیرون آمدن از اتاق جلوی‌باشی و سر و وضعت را درست کنی یا دست کم سرت را شانه بزنی (۱).
دیو (۱۸).	مرد (۲).
پسرها (۳۶)	هم مدرسه‌ای‌های کلاس بالاتر (۲۰)
یکی از آنها پا جلوی پای تیمی داد (۳۶)	یکی از آنها با تمسخر به شیمیا گفت: «آهای فسقلی اینجا چکار می‌کنی؟» (۲۰)
* موهای هویجی رنگ، ژاکتی به رنگ قرمز، شلوار طرح اسکاتلندی (۴۲)	* موهای حنایی رنگ، مانتویی به رنگ بنفش، شلوار جین (۲۶)
به محض این که جمعیت جمع شد. دعوا شروع شد لوتر و میکی همراه تونی بودند، تونی عینکش را به لوتر داد. بعد سندی با یکی از دوستانش به طرف تونی آمد و به او حمله کرد. تونی بازوهایش را جلو صورتش گرفت تا از خودش دفاع کند؛ سندی با سر رفت توی شکم تونی و تونی نقش زمین شد. بقیه ماجرا هم معلوم بود.	فردا بعد از تعطیل شدن مدرسه وقتی بچه‌ها از مدرسه خارج می‌شدند، همگی حواسشان به سمیرا و تینا بود. تینا کیفش را به لاله داد و به سمیرا نزدیک شد و در حالی که با دست به قفسه سینه او کوبید، گفت: «کجا می‌روی گردن‌دراز؟» تینا روی یک پا عقب رفت و سکندری خورد. سمیرا از جلو مقنعه تینا را روی صورتش کشید و سعی کرد مقنعه را از سر او در بیاورد. تینا هم که سعی می‌کرد مقنعه‌اش را روی سر نگه دارد، روی زمین نشست. تینا جلوی مقنعه را محکم توی شستش نگه داشت، سمیرا دست او را محکم گرفته بود و
سندی که از دماغش خون می‌چکید راهش را گرفت و رفت و تونی روی پلکان اضطراری ساختمان نشست تا نفسش بند بیاید (۷۴).	

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لایلا
خودت می‌دانی که دایی و زن‌دایی‌ات چه قدر دوست دارند وقتی به دیدنشان می‌روی با هم بروید گردش (۹۵)	می‌خواست از مقنعه جدا کند و تینا با دست دیگرش یکی از انگشت‌های سمیرا را گرفت و به عقب کشید. سمیرا از درد جیغ کشید «آی انگشتم! ولم کن... انگشتم را شکستی...» و مقنعه تینا را رها کرد و عقب رفت و تینا هم از زمین بلند شد (۵۸).
متأسفم قانون اجازه نمی‌دهد (۱۱۸)	متأسفم کار درستی نیست (۱۰۲)
پدرش فوت کرده است (۱۲۷)	حال پدرش خیلی بد است (۱۱۱)
آن بندهای چرمی واقعاً چشمم را گرفت - هر چیز خوبی نظرم را جلب می‌کند (۱۴۸)	مدل موهایش واقعاً جالب بود، من این‌طوری هستم هر چیز خوبی نظرم را جلب می‌کند (۱۳۲)
البته اگر موهایت را هم مرتب کنی (۱۸۹)	البته اگر روسری مناسبی هم انتخاب کنی (۱۷۲)
عیبش چیست؟ این شکل موی مرا پدردت خیلی دوست داشت! (۱۸۹)	عیب روسری‌ام چیست؟ (۱۷۲)
خودت نمی‌خواهی موهایت را کوتاه کنی؟ (۱۸۹)	خودت نمی‌خواهی کمی به خودت برسی؟ (۱۷۲)

جدول ۵. تغییرات محتوایی

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لایلا
عنوان کتاب: لیزا کودکی در مدرسه	عنوان کتاب: کودک فیلسوف لایلا
بابت نگهداری بچه همسایه گرفته‌ام (۳۶).	دیشب از مادرم جایزه گرفته‌ام (۲۰).
این کار را می‌کنی برای این که او یک دختر است، اگر پسر بود هیچ وقت این کار را نمی‌کردی (۹۹).	-
پسرها همیشه می‌توانند بزنند، کسی هم نمی‌گوید که بد می‌زنند یا خوب (۱۰۰).	-
پدر بزرگ میلی با دیدن دوتا از میمون‌ها که همدیگر را بغل کردند و بعد از هم جدا شدند و در جهت مخالف هم به راه افتادند از پدر بزرگ سؤال‌هایی کردند که او با بی میلی توضیح داد: «این کارها قسمتی از برنامه بقای نسل میمون‌هاست» (۱۱۳)	بچه‌ها با دیدن دوتا از میمون‌ها که همدیگر را بغل کردند و بعد از هم جدا شدند و در جهت مخالف هم به راه افتادند از پدر بزرگ سؤال‌هایی کردند که او با بی میلی توضیح داد: «این کارها قسمتی از برنامه تولیدمثل میمون‌هاست» (۹۷)

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
در خانه تان تنها ماند؟ (۹۷)	مرده؟ (۱۱۳)
همین که مادر بزرگت فوت کرده است (۹۷).	همین که من و مادر بزرگت از هم جدا شده‌ایم (۱۱۴).
مدت‌ها بود که بین پدر و او کدورتی وجود داشته و آنها رفت و آمدی نداشته‌اند (۹۷).	خب، ما تقریباً هیچ وقت با هم نبودیم، من همیشه تعطیلی‌هایم را توی جنگل یا کوه می‌گذراندم، برای همین او هم حسابی وقت داشت که زندگی‌ای را که دوست دارد داشته باشد، برای همین واقعاً ما دوباره جداشدن با هم توافق داشتیم، الان هم دوستان خوبی برای هم هستیم (۱۱۴).
خب، او تقریباً یک سال است که فوت کرده است (۹۸).	اما او الان کجاست؟ چکار می‌کند؟ پدر بزرگت با خنده‌ای گفت: «مطمئنم که خوب خوب است. او دوباره ازدواج کرده است» سنش برای ازدواج زیاد نیست؟ چرا این را می‌گویی؟ او پنجاه و چند سال دارد، مثل من! میلی دوباره گفت: «خب، مگر این زیاد نیست؟» پدر بزرگت خندید، «آهان، تو او را نمی‌شناسی. او و سن زیاد؟ او هیچ وقت سنش زیاد نمی‌شود!» بعد با حالتی افتخار آمیز اضافه کرد که «درواقع او با کسی که ده سال از خودش کوچک‌تر است ازدواج کرده است» (۱۱۴).
* در خواب دید که مادر بزرگش روی یک سنگ خوابیده است بعد میمون‌ها آمدند دور سنگی که مادر بزرگت رویش خوابیده بود، رقصیدند. لحظه‌ای بعد به جای مادر بزرگت، پدر بزرگت روی سنگ به تنهایی ایستاده بود. میمون‌ها همچنان می‌رقصیدند (۹۸)	* توی خواب دید که مادر بزرگش روی یک توپ دارد حرکات موزون انجام می‌دهد. بعد میمون‌ها آمدند و آنها هم شروع کردند به پایکوبی و بعد آدم‌ها و میمون‌ها با هم پایکوبی کردند (۱۱۴)
خب بین پدر بزرگت هم مثل همه مردها می‌تواند ازدواج کند و یک زندگی شاد داشته باشد (۹۸).	خب بین مادر بزرگت چکار کرد؟ پدر بزرگت هم می‌تواند مثل او شاد زندگی کند (۱۱۵).
چطوری می‌توانی چنین چیزی بگویی؟ این که او مادر بزرگت را فراموش کند و زن دیگری بگیرد کار بسیار نادرستی است (۹۸).	مردی ازدواج کرده که از خودش خیلی کوچک‌تر بوده، خیلی خیلی نادرست است (۱۱۵).

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
این که مردی با زنی ازدواج کند چه ایرادی دارد؟ آن هم نادرست است؟ (۹۸).	این که یک مردی با زنی کوچک‌تر از خودش ازدواج کند چی؟ آن هم نادرست است؟ (۱۱۵).
اگر چیزی برای مردهای مجرد جوان عادلانه است، برای پیرمردها هم باید عادلانه باشد (۹۹).	اگر چیزی برای مردها عادلانه است، برای زن‌ها هم باید عادلانه باشد (۱۱۵).
برای پیرمردها غیرطبیعی است که دوباره زن بگیرند (۹۹).	برای زن‌ها غیرطبیعی است که از شوهرانشان مسن‌تر باشند (۱۱۶).
اگر برای مردهای جوان درست باشد که با هرکس که می‌خواهند ازدواج کنند و بخواهند خانواده‌ای برای خود داشته باشند، برای پیرمردها هم باید همین درست باشد (۹۹).	اگر برای مردها درست باشد که با هرکس که می‌خواهند ازدواج کنند، برای زن‌ها هم باید درست باشد (۱۱۶).
مسابقه‌ای در مدرسه (۱۲۳)	مسابقه زیبایی در مدرسه (۱۳۹)
این‌ها ویژگی‌هایی است که خیلی از افراد اصلاً از آنها بهره‌ای ندارند (۱۲۳)	این‌ها ویژگی‌هایی هستند که کسی نمی‌تواند زیاد از آنها بهره‌مند باشد (۱۴۰)
کدام یک از دانش‌آموزان محبوب‌تر و کدام یک باهوش‌تر هستند (۱۲۴).	به نظر آنها کدام پسر از بقیه موفق‌تر و کدام دختر از بقیه زیباتر است (۱۴۰).
گفتید که محبوب‌ترین‌ها و باهوش‌ترین‌ها؟ خانم پاکیزه‌جم خنده ریزی کرد و گفت: «نه ما شروع‌کننده این کار نبودیم، این مسابقه از قبل هم برگزار می‌شده است» (۱۲۵).	گفتید که خوش‌تیپ‌ترین پسر و موفق‌ترین دختر؟ آقای پارتیج خنده ریزی کرد و گفت: «نه ما برای دخترها مسابقه زیبایی برگزار می‌کنیم، نه برای پسرها» (۱۴۱).
از نظر مردم این محبوب‌ترین‌ها هستند که لیاقت به عهده گرفتن بزرگ‌ترین مسئولیت‌ها را در اداره کشور دارند و البته همان‌ها هستند که باهوش‌ترین انسان‌ها و موفق‌ترین آنها هستند (۱۲۵).	خب، چون اینجا کلاس تاریخ است، بگذار بگویم که این اصلاً یک موضوع تاریخی است. مردم همیشه این‌طور فکر می‌کنند که چون مردها بیشترین و بزرگ‌ترین مسئولیت‌ها را در اداره جهان داشته‌اند همان‌ها هستند که باید باهوش‌ترین انسان‌ها باشند و همان‌ها هستند که باید موفق باشند. اما از آن طرف در زنان همیشه زیبایی بالاترین مطلوبیت را داشته است. خودتان فکر کنید ببینید چند نفر مرد، به‌خاطر زیبایی هلن ملکه تروا مرده‌اند (۱۴۱).

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
<p>هر صورتی هم به نوعی زیباست و هر شخصی هم به روش خود می تواند باهوش یا محبوب باشد (۱۲۵).</p>	<p>هر صورتی هم به نوعی زیباست، بدون آن که دختر یا پسر بودن مطرح باشد (۱۴۲).</p>
<p>خوب در مورد ریاضی هم رایانه ها با سرعت و توان بیشتری می توانند مسائل ریاضی را حل کنند. آیا آنها از ما باهوش ترند؟ آیا کسانی که فقط ریاضی یاد می گیرند خودشان را به رایانه ها شبیه نمی کنند (۱۲۶)</p>	<p>—</p>
<p>جلو در مدرسه فرانک به لیلا گفت: «برگزاری این مسابقه شبیه به مسابقات ملکه زیبایی و انتخاب زیباترین دختر جهان است که در کشورهای خارجی برگزار می شود. به نظر من این کار به همان اندازه مسخره است. در این مسابقه ها افرادی که زیباترین صورت ها و باریک ترین اندام ها را دارند، برترین افراد جهان خوانده می شوند»</p> <p>پری گفت: «بالاخره آنها هم امتیازاتی دارند که از بین دیگران انتخاب می شوند»</p> <p>فرانک گفت: «آخر مگر این ها به غیر از یک شانس خدادادی و زیبایی که با انجام دادن جراحی های مختلف و استفاده از بهترین کرم ها به دست آمده چیز دیگری دارند؟ این مسابقه هم شبیه به آن است»</p> <p>لیلا گفت: «یعنی چه؟ چه ربطی دارد؟ این مسابقه برای انتخاب افراد باهوش و محبوب است نه انتخاب افراد به سبب مسائل پیش پا افتاده ای مثل زیبایی، خوش اندامی یا خوش لباسی. من که متوجه منظور تو نمی شوم و نمی فهمم تو چطور این دو حالت جدا از هم را به هم ربط می دهی؟ همان طور که خودت گفتی به دست آوردن زیبایی، از راه های مصنوعی مثل جراحی های جورواجور و متعدد، استفاده از لوازم آرایش مختلف، رژیم های غذایی و ورزش های سخت، کار چندان مهمی نیست. اما در این مسابقه قرار است ما افرادی که بهترین روابط را با دیگران دارند و از هوش بالایی برخوردارند انتخاب کنیم»</p>	<p>جلو در مدرسه فران به لیزا گفت: «فکر می کنم هیچ بدم نمی آید اگر سگم را به جایی ببرم که سگ ها را نمایش می دهند، اما چرا می خواهیم این کار را با آدم ها بکنیم؟»</p> <p>لیزا فقط شانه بالا انداخت و چیزی نگفت، اما هری گفت: «وقتی سگ ها را به نمایش می گذارند یک ملاک هایی وجود دارد که معنادار است؛ مثلاً شکل ایستادنشان یا موهای شان و ...» (۱۴۳)</p>

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لیلا
	<p>پری گفت: «معلومه برای هر دو این مسابقات ملاک‌هایی وجود دارد. یادم می‌آید که در یک مسابقه تلویزیونی دیدم که مسابقه‌ای برای زیباترین سنگ‌ها برگزار کرده بودند، اگر چنین مسابقه‌ای برای گربه‌ها هم بود من هم دلم می‌خواست خیل، گربه خواهر کوچکم را در این مسابقه شرکت دهم. وقتی گربه‌ها یا سنگ‌ها را به نمایش می‌گذارند؛ ملاک‌هایی وجود دارد که معنادار است؛ مثلاً شکل ایستادنشان، شکل دم‌ها یا موهای‌شان و ...» (۱۲۷ و ۱۲۸)</p>

جدول ۶. تغییر روابط میان افراد

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لیلا
اما با کمال تعجب دید که به یاد مارک افتاده و آرزو می‌کند که از این حرف‌ها بگذرد و با او گفت‌وگویی بکند (۱۱۹).	اما با کمال تعجب این احساس را در خودش پیدا کرد که‌ای کاش ما هرگز در آنجا بود و با آنها هم‌قدم و هم‌صحبت می‌شد (۱۰۳).
اما نمی‌دانست که آیا او متوجه هست که لیزا چقدر از او خوشش آمده یا نه (۱۴۵).	اما نمی‌دانست که آیا او متوجه هست که لیلا چقدر از این حرف‌ها خوشش آمده یا نه (۱۳۰).
ساکی گفت: «نو، حالا بیا موضوع را عوض کنیم. نظرت راجع به والت چیست؟ ازش خوش می‌آید؟» (۱۵۹).	سپیده گفت: «اتا، حالا بیا موضوع را عوض کنیم. نظرت راجع به حمید چیست؟ ازش خوش می‌آید؟» (۱۴۴).

جدول ۷. فراموشی مؤلف

لیزا کودکی در مدرسه	کودک فیلسوف لیلا
وقتی بیل، فران را دست انداخت، به زبان فران آمد که طعنه‌ای به خواهر بیل بزند. اما جلوی خودش را گرفت چون یادش آمد که او چند سال از او و بچه‌های هم‌سن و سالش کوچک‌تر است (۲۷).	وقتی بیتا، فرانک را دست انداخت، به ذهن فرانک رسید که طعنه‌ای به بیتا بزند. ولی جلوی خودش را گرفت چون یادش آمد که برادر بیتا چند سال از او و بچه‌های هم‌سن و سالش کوچک‌تر است (۱۱).
آهای هری، می‌آیی با هم برویم نمایشگاه تمبر؟ (۳۵). هری تقریباً داشت می‌گفت نه که یادش آمد کار خاصی ندارد و به‌علاوه دلش هم نمی‌خواهد دعوت تیمی را رد کند و دلش را بشکند، پس قبول کرد و راه افتاد.	آهای پری، به نمایشگاه تمبر رفته‌ای؟ (۱۹). پری تقریباً داشت می‌گفت نه که یادش آمد کار خاصی ندارد و به‌علاوه دلش هم نمی‌خواهد دعوت شیما را رد کند و دلش را بشکند، پرسید: «کجاست؟»

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
<p>مریم گفت: «خانم پروین پاشایی... می دونی اسم کوچکش چی بود؟ (۲۶)»</p>	<p>ماریا گفت: «آقای پنی پیکر... می دونی اسم کوچکش چی بود؟ (۴۲)»</p>
<p>اگر دختری، پس چلا...؟ پس چلا...؟ چلا پس موهاش مثل پسلاست؟</p> <p>لیلا گفت: «خب الان دخترها هم موهای شان را کوتاه می کنند.»</p> <p>سپهر گفت: بگیش... این گلبه هم مثل تو موهاش بلند است با این که دختل نیست (۴۱).</p>	<p>اگر دختری، پس چلا...؟ پس چلا...؟ چلا پس دامن نپوشیدی؟</p> <p>لیزا گفت: «خب دخترها هم جین می پوشند، من فقط بعضی وقت ها دلم می خواهد دامن بپوشم.»</p> <p>کیو گفت: بگیش این گلبه هم مثل تو موهاش بلند است با این که دختل نیست (۵۷).</p>
<p>ببینید، فرض کنیم ترمز کامیونی گهگاه به صورت کامل عمل نمی کند، اما فردای آن روز راننده کامیون با بی توجهی، تحت همین شرایط اقدام به مسافرت از مسیر جاده چالوس می کند. در سراسیهای جاده چالوس ترمز کامیون کاملاً از کار می افتد، معلوم است اگر مانعی بر سر راه کامیون نباشد، پس از چند دقیقه به ته دره خواهد افتاد، این یعنی زمینه سقوط کامیون از قبل فراهم شده بود، درست است؟ (۵۷).</p> <p>پس اگر یک دکتر امروز مرا به دقت معاینه کند می تواند بگوید که من فردا سرما خواهم خورد...</p>	<p>ببینید، فرض کنید قرار است من فردا سرما بخورم، خب، این یعنی شرایط لازم برای سرما خوردن من در فردا، همین امروز مهیاست، درست است؟ (۷۳).</p> <p>پس اگر یک دکتر مرا به دقت معاینه کند می تواند بگوید که من فردا سرما خواهم خورد...</p>
<p>سعید (۶۷). سام (۶۷)</p>	<p>سام (۸۳)</p>
<p>گفتید که محبوب ترین ها و باهوش ترین ها؟</p> <p>خانم پاکیزه-جم خنده ریزی کرد و گفت: «نه ما شروع کننده این کار نبودیم، این مسابقه از قبل هم برگزار می شده است» (۱۲۵).</p>	<p>گفتید که خوش تیپ ترین پسر و موفق ترین دختر؟</p> <p>آقای پارتیج خنده ریزی کرد و گفت: «نه ما برای دخترها مسابقه زیبایی برگزار می کنیم، نه برای پسرها» (۱۴۱).</p>
<p>بعد با التماس گفت: «ببینید آن مردها نباید با اسلحه و به زور مهری را وادار می کردند که پولها را به آنها بدهد، چون این کار خلاف قانون است» (۱۳۴).</p>	<p>بعد با آه و ناله گفت: «ببینید، ما نباید آن اسلحه را برگردانیم، چون یک مدرک است» (۱۵۰).</p>
<p>کتابی (۱۴۱). تافته (۱۶۸)</p>	<p>تانگ (۱۵۶). (۱۸۵)</p>

جدول ۸. تضاد

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
<p>* اگر دختری، پس چلا...؟ پس چلا...؟ چلا پس موها ت مثل پسلاست؟</p> <p>لیلا گفت: «خب الان دخترها هم موهایشان را کوتاه می‌کنند» (۴۱)</p> <p>* ساعت‌فروشی، که ساعت‌های مچی گران‌قیمتی در آن می‌فروخت (۱۳۳)</p> <p>* موهای حنایی رنگ، مانتویی به رنگ بنفش، شلوار جین (۲۶)</p>	<p>* اگر دختری، پس چلا...؟ پس چلا...؟ چلا پس دامن نبوشیدی؟</p> <p>لیزا گفت: «خب دخترها هم جین می‌پوشند، من فقط بعضی وقت‌ها دلم می‌خواهد دامن بپوشم» (۵۷)</p> <p>* مغازه اجناس جین (۱۴۹)</p> <p>* موهای هویجی رنگ، ژاکتی به رنگ قرمز، شلوار طرح اسکاتلندی (۴۲)</p>
<p>* حرکات آکروباٹیک شامپازره‌ها (۹۶)</p> <p>* صندلی‌ها را عقب کشیدند و چندتا از بچه‌ها شروع به حرکات موزون و اجرای پانتومیم کردند (۱۷۴)</p> <p>* در خواب دید که مادر بزرگش روی یک سنگ خوابیده است بعد میمون‌ها آمدند دور سنگی که مادر بزرگش رویش خوابیده بود، رقصیدند. لحظه‌ای بعد به جای مادر بزرگ، پدر بزرگ روی سنگ به تنهایی ایستاده بود. میمون‌ها همچنان می‌رقصیدند (۹۸)</p>	<p>* رقص گییون‌ها (۱۱۳)</p> <p>* صندلی‌ها را عقب کشیدند و چندتا از بچه‌ها شروع کردند به شوخی و خنده (۱۹۱)</p> <p>* توی خواب دید که مادر بزرگش روی یک توپ دارد حرکات موزون انجام می‌دهد، بعد میمون‌ها آمدند و آنها هم شروع کردند به پایکوبی و بعد آدم‌ها و میمون‌ها با هم پایکوبی کردند (۱۱۴)</p>

جدول ۹. اختلاف مبتنی بر ترجمه

کودک فیلسوف لیلا	لیزا کودکی در مدرسه
خوش تیپ (۱).	خوش‌گل (۱۷).
من اصلاً این‌طوری فکر نمی‌کردم (۱۱).	من که نمی‌دانستم کار او کار درستی است (۲۷).
ماهرخ گفت: «بچه‌ها، عجب شیر تو شیریه شده!» (۴۸).	مارک پاسخ داد: «بچه‌ها! به دیوانه‌خانه خوش آمدید» (۶۴).
راست و غلط (۶۳)	صادق و کاذب (۷۹)
کار نادرستی که باعث اذیت شد، اما شما قصدی نداشتند (۶۷)	دروغی که باعث اذیت شد، اما شما قصدی نداشتند (۸۳)
نمره هماهنگی و ثبات حرف‌هایت با هم سازگار نیستند (۶۹).	نمره‌ات در یک‌دست بودن نمره خوبی نیست (۸۵).

کودک فیلسوف لایلا	لیزا کودکی در مدرسه
یک خط شعر (۱۰۷)	یک بیت شعر (۱۲۴)
واقعا بی عیب و نقصه (۱۰۸)	واقعا عالیه (۱۲۴)
چیزی تا بی عیب و نقص نباشد درست نمی شود؟ (۱۰۸)	چیزی تا کامل نباشد درست نیست؟ (۱۲۵)
اگر یک جزء با بقیه هماهنگ نباشد، می گوئیم متناسب نیست (۱۰۹)	اگر یک جزء با بقیه هماهنگ نباشد، می گوئیم درست نیست (۱۲۵)
بی عیب و نقص (۱۰۹)	درست (۱۲۵)
کسی میل دارد با من یک استکان چای بخورد؟ پدر با لبخند گفت: «من دلم می خواهد منتها متأسفانه استکان برای هر دوی ما نه جا دارد، نه چای» (۱۱۸)	کسی می خواهد توی خوردن یک استکان چای همراه من باشد؟ پدر با لبخند گفت: «من دلم می خواهد، منتها متأسفانه استکان برای هر دوی ما جا ندارد» (۱۳۴)
اگر دوست داری چند دقیقه ای بیا تو (۱۱۹).	دلت می خواهد چند دقیقه ای بیایی تو؟ (۱۳۵).
نکته این است که اگر چیزی برایت خوشایند باشد، بی عیب و نقص است (۱۳۲).	نکته این است که اگر چیزی برایت آشنا باشد درست است (۱۴۸).

مهم ترین و گسترده ترین بومی سازی صورت گرفته در کتاب *کودک فیلسوف لایلا* مربوط به تغییر نامها است. تغییرات مربوط به اسامی شامل زیرمقوله های افراد و جنسیت، موسیقی، حیوانات، شهرها، لباس ها، ورزش و بازی، واحد پول، شخصیت طنز و درخت می شود که بعضی نمونه ها و مثال های مربوط به این زیرمقوله ها به دلیل محدودیت های مجال مقاله حذف شده اند و در جدول، نمونه ها و مثال های مربوط به این تغییرات به صورت کامل بیان نشده است.

این گروه شامل مواردی می شوند که فقط نام موارد ذکر شده در بالا تغییر کرده است. برای مثال در قسمت افراد و جنسیت، نام های لاتین تغییر کرده اند و تمام اسم ها فارسی شده اند. در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* افراد حلقه کندو کاو هم دختران هستند و هم پسران، اما در کتاب *کودک فیلسوف لایلا* تمامی این افراد دختر هستند؛ البته برخی از شخصیت ها پسرند، اما ماجراهای اصلی و حلقه کندو کاو مربوط به یک مدرسه دخترانه است و شخصیت های اصلی دخترها هستند. بنابراین برخی از رخدادها و روابط که در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* شاکله ساختار داستان بوده اند تغییر کرده است. تلاش نویسنده بر این بوده است که نام های ایرانی شبیه نام های لاتین و بر همان وزن باشند. برای نمونه شخصیت اصلی داستان که *لیزا تری* (لیمن، ۱۳۹۲: ۱۸) است در نمونه بومی سازی شده به *لایلا ترابی* (ناجی، ۱۳۹۲: ۲) تغییر کرده

است. به عنوان نمونه‌ای دیگر در بخش حیوانات، نام حیوان‌هایی که در ایران بیشتر دیده می‌شوند، بیان شده است. به جای سنجاب (لیمن، ۱۳۹۲: ۱۸)، گربه (ناجی، ۱۳۹۲: ۲) قرار گرفته است یا پابلو (لیمن، ۱۳۹۲: ۶۵) که نام یک خوک است در کتاب *کودک فیلسوف لیلا* به فندق (ناجی، ۱۳۹۲: ۴۹) که نام یک خرگوش است، تغییر کرده است. تغییرات زیرمجموعه‌های دیگر این بخش نیز بر همین سبک و سیاق است و برای پرهیز از طولانی شدن کلام در این قسمت به آنها اشاره‌ای نمی‌شود.

در بخش دیگر که مربوط به تغییر شعر است، شعرهای فارسی جایگزین شعرهای لاتین شده است. برای مثال در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه*، هنگامی که دانش‌آموزان معلم خود را به همراه نامزدش می‌بینند که از مدرسه خارج می‌شود یکی از آنها این شعر را می‌خواند: «او بعد، وقتی خورشید به آرامی در پشت تپه‌های ارغوانی رنگ فروخفت، ما با قهرمانان مان، که دست در دست یکدیگر در غروب آفتاب قدم می‌زدند، وداع کردیم» (لیمن، ۱۳۹۲: ۹۲). اما در کتاب *لیلا*، شعر دیگری جایگزین شده است: «گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود/ بار بر بست و به گردش نرسیدیم و برفت/ روی مه‌پیکر او سیر ندیدیم و برفت/ ای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت» (ناجی، ۱۳۹۲: ۷۶). در این قسمت نیز با این که سعی شده است با جایگزین کردن شعری فارسی، بومی‌سازی صورت گیرد، اما می‌توان گفت که این جایگزینی به درستی صورت نگرفته است؛ چرا که در شعر مربوط به کتاب *لیزا کودکی در مدرسه*، با بیان کلماتی چون قهرمانان و دست در دست یکدیگر، حس علاقه دو فرد به یکدیگر به خوبی به خواننده منتقل می‌شود، اما شعری که در کتاب *کودک فیلسوف لیلا*، جایگزین شده، در مورد گله و شکایت از فراق و دوری است و به جای این که منتقل‌کننده حس وصل باشد، حس جدایی و فراق را تداعی می‌کند.

در تغییرات دیگر که مربوط به زمان و مکان است، زمان و مکان وقوع رخدادها عوض شده‌اند. برای نمونه زمان خوردن غذا از شام (لیمن، ۱۳۹۲: ۱۸ و ۲۸) به ناهار (ناجی، ۱۳۹۲: ۲ و ۱۲) تغییر کرده است. همچنین در داستانی که مربوط به بازدید دانش‌آموزان از یک مکان تاریخی است (لیمن، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۱)، در کتاب *کودک فیلسوف لیلا*، نام مکان‌ها به مکانی تاریخی در تهران و اطراف آن (ناجی، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۱۴۵) تغییر پیدا کرده است. در رابطه با تغییرات مربوط به زمان می‌توان گفت که این تغییرات تأثیر ویژه و خاصی بر روند داستان و بومی‌سازی آن نداشته است. تغییرات مربوط به مکان نیز با این که همانند تغییر اسم‌ها در جهت نزدیک کردن ذهن کودکان ایرانی به فضای داستان صورت گرفته است، از نظر کارکرد محتوایی تأثیری نداشته است.

به دنبال تغییر نام افراد و جنسیت آن‌ها، موقعیت‌ها، رخدادها و توصیف‌ها نیز تغییر کرده‌اند. برای نمونه در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه*، آقای پنی پیکر که جانشین مدیر مدرسه است، چنین توصیف شده: «او جوانی بود با چشم‌های آبی و موهای هویجی رنگ که معمولاً ژاکتی به رنگ قرمز روشن و شلوار طرح اسکاتلندی می‌پوشید» (لیمن، ۱۳۹۲: ۴۲). اما در کتاب *لیلا*، چون مدرسه دخترانه است، جانشین مدیر، خانمی به نام پروین پاشایی است و بنابراین تغییر، ظاهر او چنین توصیف شده است: «او خانم جوانی بود با چشم‌های آبی و موهای حنایی رنگ که از جلو مقنعه دیده می‌شد. معمولاً مانتویی به رنگ بنفش و شلوار جین می‌پوشید» (لیلا، ۱۳۹۲: ۲۶). تغییرات مربوط به ترجمه نیز به گونه‌ای بازی با کلمات است مثلاً در کتاب *کودک فیلسوف لیلا* ترجیح داده شده که به جای کلمه درست (لیمن، ۱۳۹۲: ۱۲۵)، کلمه بی‌عیب و نقص (ناجی، ۱۳۹۲: ۱۰۹) جایگزین شود.

در تغییرات محتوایی، بارزترین تغییر محتوا در تغییر نام کتاب دیده می‌شود. عنوان کتاب لیمن، *لیزا* است که در ترجمه به *لیزا کودکی در مدرسه* تغییر یافته است؛ *لیزا* دختری است که در کنار دوستان خود در مدرسه کندوکاوهای فلسفی و اخلاقی را انجام می‌دهد. عنوان کتاب، جهت‌گیری خاصی ندارد و *لیزا* ویژگی ممتازی نسبت به دیگران ندارد. اما عنوان کتاب ناجی به *کودک فیلسوف لیلا* تغییر کرده است. یعنی صفت مهم *لیلا*، فیلسوف بودن اوست و این عنوان به صورت ناخودآگاه برتری *لیلا* در بحث‌های فلسفی را به ذهن متبادر می‌سازد و ذهن را بیشتر به سمت اندیشه *لیلا* سوق می‌دهد. همچنین این جهت‌دهی برخلاف رویکرد برنامه فلسفه برای کودکان است؛ زیرا همان‌گونه که لیمن می‌گوید در این برنامه کودکان فیلسوف نمی‌شوند، بلکه زمینه و بستر مناسب جهت فلسفیدن و فکر کردن برای آنان فراهم می‌شود تا تفکری بهتر از قبل داشته باشند (لیمن در ناجی، ۱۳۹۳: ۳۴).

یکی دیگر از نمونه‌های مربوط به تغییر محتوا چنین است: در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه*، یکی از موضوعاتی که به آن پرداخته شده است در ارتباط با برابری دختر و پسر یا زن و مرد است. در داستان بازی بیسبال، هنگامی که دخترها و پسرها، بازی بیسبال را انجام می‌دهند، یکی از بازیکنان پسر نوبت را رعایت نمی‌کند و حق یکی از بازیکنان دختر ضایع می‌شود و یکی از دخترها در اعتراض به این کار او می‌گوید: «این کار را می‌کنی برای این که او یک دختر است. اگر پسر بود، هیچ وقت این کار را نمی‌کردی» (لیمن، ۱۳۹۲: ۹۹). اما در کتاب *کودک فیلسوف لیلا* چون مربوط به یک مدرسه دخترانه است و تمام شخصیت‌ها دختر هستند، این قسمت از داستان حذف شده است. با این که بحث از برابری دختر و پسر، درون‌مایه اصلی این داستان نیست، بلکه مقدمه‌ای برای موضوع اصلی یعنی بحثی اخلاقی

درباره درست و عادلانه بودن یک رفتار است، نویسنده به صورت ضمنی و تلویحی با مطرح کردن این موضوع در ابتدای داستان، ذهن‌ها را متوجه اندیشه فمینیستی می‌کند و آن را به پایان داستان پیوند می‌زند و از این رهگذر بحث و گفت‌وگوی حلقه کندوکاو را پر بارتر می‌کند. اما در کتاب *کودک فیلسوف لیلیا* این بخش، حذف شده است. به عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به داستان میلی و پدربزرگش در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* اشاره کرد که موضوع این داستان نیز مربوط به عادلانه و درست بودن یک امر است و با داستان ازدواج مادر بزرگ میلی با مردی که از خودش کوچک‌تر است و این که آیا زن‌ها می‌توانند با مرد کوچک‌تر از خود ازدواج کنند، مطرح شده است (لیپمن، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۰۷). اما در کتاب *کودک فیلسوف لیلیا*، این داستان به گونه دیگری بیان شده است و موضوع بحث این است که آیا پدر بزرگ ملیحه پس از فوت همسرش می‌تواند مانند مردان جوان دوباره ازدواج کند یا نه؟ (ناجی، ۱۳۹۲: ۹۹-۹۳). با این که ازدواج یک زن با مردی که از خودش کوچک‌تر است در جامعه ایران نیز مطرح است، اما نویسنده با ادعای بومی‌سازی، محتوا را تغییر داده و به جای این که به خواننده اجازه دهد با مسائل و مشکلات جامعه آشنا شود، صورت مسأله را پاک کرده و به نوعی دست به سانسور زده است.

در کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* چون شخصیت‌های داستان هم دختر هستند و هم پسر، روابط عاطفی میان دو جنس مخالف به چشم می‌خورد. برای مثال لیلیا از مارک خوشش می‌آید و در قسمت‌هایی از کتاب به این موضوع اشاره شده است: «اما با کمال تعجب دید که به یاد مارک افتاده و آرزو می‌کند که از این حرف‌ها بگذرد و با او گفت‌وگویی بکند» (لیپمن، ۱۳۹۲: ۱۱۹). اما در کتاب *کودک فیلسوف لیلیا* چون تمام شخصیت‌ها دختر هستند روابط عاطفی به این شکل وجود ندارد: «اما با کمال تعجب این احساس را در خودش پیدا کرد که ای کاش ماهرخ در آنجا بود و با آنها هم‌قدم و هم صحبت می‌شد» (ناجی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

گونه دیگر تغییر در متن نسبت به پیش‌متن، فراموشی مؤلف و مربوط به مواردی است که در کتاب *کودک فیلسوف لیلیا* تغییراتی در قسمت‌هایی از متن ایجاد شده است، اما در قسمتی دیگر از متن این تغییرات فراموش شده و دوباره متن کتاب *لیزا کودکی در مدرسه* نوشته شده است و یا اسمی تغییر داده شده است، اما با فراموشی این تغییر در جایی دیگر از کتاب اسمی دیگر جایگزین آن شده است، یعنی برای یک شخص، دو اسم به کار رفته است. در داستان بازی به نوبت، تونی که یکی از دوستان هری است او را به نمایشگاه تمبر دعوت می‌کند تا با هم به نمایشگاه بروند:

«آهای هری، می آیی با هم برویم نمایشگاه تمبر؟ هری تقریباً داشت می گفت نه که یادش آمد کار خاصی ندارد و به علاوه دلش هم نمی خواهد دعوت تیمی را رد کند و دلش را بشکند، پس قبول کرد و راه افتاد» (ص، ۱۹).

این بخش از داستان در کتاب *کودک فیلسوف لایلا* به این صورت تغییر کرده است: «آهای پری، به نمایشگاه تمبر رفته‌ای؟ پری تقریباً داشت می گفت نه که یادش آمد کار خاصی ندارد و به علاوه دلش هم نمی خواهد دعوت شیما را رد کند و دلش را بشکند، پرسید: کجاست؟». با این که جمله اول تغییر کرده است و در این سؤال دوست پری او را به نمایشگاه تمبر دعوت نمی کند و فقط از او می پرسد که به نمایشگاه تمبر رفته است یا نه؟ اما این تغییر، فراموش شده و در ادامه با بازگشت به متن کتاب *لایلا* کودکی در مدرسه، عنوان شده است که پری دلش نمی خواهد دعوت شیما را رد کند و دلش را بشکند. به عنوان نمونه‌ای دیگر می توان به خانواده یکی از دوستان لایلا یعنی خانواده تانگ اشاره کرد که در دو داستان نام آنها آورده شده (لیپمن، ۱۳۹۲: ۱۵۶ و ۱۸۵)، اما در کتاب *کودک فیلسوف لایلا* در یک داستان از این خانواده با نام خانواده کتابی (ناجی، ۱۳۹۲: ۱۴۱) یاد شده و در داستانی دیگر نام این خانواده به خانواده تافته (ناجی، ۱۳۸۱: ۱۶۸) تغییر کرده است.

تضاد مربوط به تغییراتی است که در کتاب *کودک فیلسوف لایلا* به عنوان بومی سازی، قسمتی از متن تغییر داده شده اما همان قسمت دوباره در جایی دیگر از متن به کار رفته است. مثلاً در کتاب *لایلا* کودکی در مدرسه گفته شده که پدر میکی مغازه اجناس جین دارد (لیپمن، ۱۳۹۲: ۱۴۹) و در کتاب *کودک فیلسوف لایلا*، پدر مهری، به جای مغازه اجناس جین یک ساعت فروشی دارد (ناجی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). با این که در این داستان مغازه اجناس جین، حذف و ساعت فروشی جایگزین آن شده است، اما در داستان رسیدن خانم پروین پاشایی صفات ظاهری او چنین بیان می شود: «او خانم جوانی بود با چشم‌های آبی و موهای حنایی رنگ که از جلو مقنعه دیده می شد. معمولاً مانتویی به رنگ بنفش و شلوار جین می پوشید» (ناجی، ۱۳۹۲: ۲۶). با وجود این که در یکی از داستان‌ها با ادعای بومی سازی، مغازه اجناس جین به مغازه ساعت فروشی تغییر کرده است، اما در داستان رسیدن خانم پروین پاشایی، به جای شلوار طرح اسکاتلندی، شلوار جین قرار داده شده و تغییری که در یک داستان به عنوان بومی سازی صورت گرفته در داستان دیگر نادیده گرفته شده است. حذف و اضافه نیز مربوط به بخش‌هایی از متن است که نسبت به پیش‌متن کم یا زیاد شده است.

براساس مقایسه دو کتاب (لیزا و لیلیا) با یکدیگر تغییراتی که در کتاب کودک فیلسوف لیلیا با ادعای بومی‌سازی انجام گرفته است در این دسته‌ها قرار می‌گیرند: ۱. نام‌ها (شامل انسان‌ها، حیوانات و مکان‌ها)، ۲. شعر، ۳. زمان، ۴. مکان، ۵. توصیف‌ها، ۶. ترجمه، ۷. محتوا، ۸. روابط، ۹. فراموشی مؤلف، ۱۰. تضاد، ۱۱. حذف و اضافه. رویکرد غالب در بومی‌سازی کتاب کودک فیلسوف لیلیا را نیز می‌توان از نوع تهذیبی یا پالایشی دانست. رویکرد تهذیبی یکی از رویکردهای بومی‌سازی است که «وجه همت خویش را اصلاح گزاره‌ها و نظریه‌های علوم انسانی موجود قرار داده و قائل است که براساس نسبت محتوای این گزاره‌ها با مفاهیم و آموزه‌های دینی باید دست به تصحیح، تکمیل، حذف و یا موجه‌سازی این گزاره‌ها بزیم» (محمدی، دنیوی و گودرزی، ۱۳۹۱: ۲۸). به عبارتی در این رویکرد جنبه‌های سازگار با فرهنگ، حفظ می‌شوند و جنبه‌های ناسازگار، مناسب‌سازی می‌شوند. تغییرات ایجادشده بر روی پیش‌متن عموماً بر پایه دو معیار حفظ مؤلفه‌های بنیادین و مثبت و حذف یا مناسب‌سازی مؤلفه‌های حاشیه‌ای و منفی انجام گرفته است.

نتیجه‌گیری

تغییراتی که در پیش‌متن، یعنی رمان لیزا/کودکی در مدرسه اعمال شده تا متنی بومی فراهم آید، بیشتر مربوط به تغییر بخشی از محتوای کتاب از جمله اسامی، زمان و مکان وقوع رخدادها و بخش‌هایی از محتوای روایت داستان است و متکی بر این تغییرات نمی‌توان پذیرفت رمان کودک فیلسوف لیلیا در درجه اول اثری تألیفی باشد. گاهی این تغییرات در پیش‌متن باعث می‌شود اهداف مد نظر نویسنده پیش‌متن در مورد فیک دستخوش اختلال شود. علاوه بر این، تغییراتی که زیر عنوان بومی‌سازی در این رمان انجام شده تا حد زیادی صوری است و در مواردی نیز به سمت سانسور و حذف رفته است. داستان‌هایی که برای برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شوند، خصلت ادبی نیز دارند و پیامد و محصول بافت تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرزمینی هستند که در آن تألیف شده‌اند؛ بنابراین بومی‌سازی‌هایی که در این زمینه و به این شیوه انجام می‌شوند کارگشا نخواهند بود. هرچند در ساده‌ترین سطح، تغییر اسم‌ها و مکان، برای نزدیک کردن ذهن کودکان ایرانی به فضای داستان صورت می‌گیرد، اما عملاً می‌توان گفت این نوع بومی‌سازی ضرورتی ندارد و در خوشبینانه‌ترین حالت تنها نوعی پیرایش متن است که در ضمن این پیرایش ممکن است محتوای اصلی داستان تغییر کند، از مسیر منحرف شود و اثرگذاری لازم را، با توجه به حساسیت مسأله آموزش و نیز ماهیت فلسفه، نداشته باشد. این نکته کلیدی ما را به این نتیجه می‌رساند که تألیف محتوای بومی به جای بومی‌سازی آثار دیگر

فرهنگ‌ها اثرگذاری بیشتری خواهد داشت تا پالایش آثار دست اول مورد استفاده در جنبش فیک. آفرینش محتوای داستانی مناسب آموزش فلسفه برای/ با کودکان، یا بازآفرینی آثار کلاسیک ادبیات فارسی که ظرفیت دعوت کودکان و نوجوانان به تفکر فلسفی دارند، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند نیاز به محتوای بومی را برطرف سازد. البته این کار نیاز به تعاملی پویا میان آفرینندگان و نویسندگان آثار ادبیات کودک و نوجوان با کنش‌گران و صاحب‌نظران آموزش فلسفه به کودکان دارد. گذشته از همه اینها بسیاری از آثار ادبیات کودک و نوجوان (کتاب‌های تصویری، رمان‌های کودک و رمان‌های نوجوان) ایرانی و ترجمه شده از ظرفیت‌های بسیاری برای استفاده در برنامه آموزش فلسفه به کودکان دارند و می‌توانند پاسخ‌گوی نیاز به محتوا برای این جنبش در ایران باشند.

منابع

- باقری، شهلا (۱۳۸۷). «علوم انسانی - اجتماعی از بحران تا بومی‌سازی: انتقادات و راهکارها». *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص ۶۶-۴۷.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹). «گزاره‌های دینی و بومی‌سازی مبنایی در علوم انسانی و سیاسی». *پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۲۹، صص ۹۸-۸۱.
- برینفیر، اسکار (۱۳۹۳). *کندوکا و فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت‌وگو با پیشگامان): مهارت‌های معلمان و PWC در فرانسه*. مترجم سعید ناجی و مریم صفایی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارسانیا، حمید و همکاران (۱۳۸۸). «بومی‌شناسی جامعه‌شناسی». *فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۶-۷.
- پنج‌تنی، منیره (۱۳۸۹). «فلسفه برای کودکان و تحول در نظام آموزش و پرورش؛ گفت‌وگو با سعید ناجی». *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال ۵، شماره ۳، صص ۸-۴.
- پنج‌تنی، منیره. (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان در پوته نقد؛ گفت‌وگو با سعید ناجی». *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال ۹، شماره ۱۰، صص ۵-۱۲.
- تقوی، مصطفی (۱۳۹۱). «نقدی بر ملاحظاتی نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی». *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۸، شماره ۷۱، صص ۶۸-۴۶.
- خواجeh سروی، غلامرضا (۱۳۸۹). «تجربه ایرانی رشته‌های میان‌رشته‌ای: سه دهه بومی‌سازی دانش سیاست». *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۸۱-۴۷.

شارپ، آن مارگارت. (۱۳۹۳). *کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت‌وگو با پیشگامان): تفاوت‌ها و شباهت‌های P4C و PWC*. مترجم مریم پورآقایی و سعید ناجی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قاسم‌پور دهاقانی، علی؛ محمدجواد لیاقت‌دار و سیدابراهیم جعفری (۱۳۹۰). «تحلیلی بر بومی‌سازی و بین‌المللی شدن برنامه درسی دانشگاه‌ها در عصر جهانی شدن». *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۴-۱.

کرمانی، رومینا (۱۳۹۱). «لیزا و لایلا، تمایزها و شباهت‌ها». *کتاب ماه فلسفه*، شماره ۶۲، صص ۵۷-۵۴. لیپمن، متیو (۱۳۹۲) *لیزا کودکی در مدرسه*. مترجم حمیده بحرینی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

لیپمن، متیو (۱۳۹۳). *کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت‌وگو با پیشگامان): فلسفه برای کودکان و نوجوانان چیست*. مترجم سعید ناجی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. لیپمن، متیو و آن مارگارت شارپ (۱۳۹۳). *کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت‌وگو با پیشگامان): عقل و عقلانیت در جامعه معاصر*. حمیده بحرینی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدی، علی؛ محسن دنیوی و میثم گودرزی (۱۳۹۱) *مجموعه دیارها و مصاحبه‌های همایش تحول در علوم انسانی*. قم: کتاب فردا.

مختاری، مریم و همکاران (۱۳۹۰). «امکان گفت‌مان بومی‌سازی یا اسلامی‌سازی در ساحت جهانی شدن دنیای امروز». *معرفت در دانشگاه اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۴۲-۲۶.

موسوی، فاطمه (۱۳۹۱). «کودک فیلسوف، لایلا». *کتاب ماه فلسفه*، شماره ۶۲، صص ۵۳-۵۲. ناجی، سعید (۱۳۹۲) *کودک فیلسوف، لایلا*. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ناجی، سعید و مرتضی براتی (۱۴۰۰). *نشست نقد و بررسی متون ترجمه‌شده فلسفه برای کودکان در ایران [فایل صوتی]*. بارگذاری در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۲۰. دستیابی از سایت www.aparat.com/v/5VHhg. تاریخ دستیابی: ۱۴۰۰/۵/۱۹.

ناجی، سعید؛ مهرنوش هدایتی و روح‌الله کریمی (۱۳۹۳). *دهمین نشست هم‌اندیشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با موضوع «بومی‌سازی فلسفه برای کودکان»*. [فایل صوتی]. بارگذاری در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۴. دستیابی از سایت www.ihcs.ac.ir. تاریخ دستیابی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴. نوذری، محمود (۱۳۹۱). «امکان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی برنامه درسی رشته علوم تربیتی». *راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۹، صص ۱۶۸-۱۴۰.

هدایتی، مهنوش (۱۳۹۰). «بومی سازی رشته تحصیلی مشاوره و راهنمایی بر پایه ارزش های مذهبی، بن مایه های ادبی و رویکردهای علمی». *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۵.

یسپرسن، پر (۱۳۹۳). *کنادوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفت و گو با پیشگامان): نسخه ای دانمارکی از فلسفه برای کودکان و نوجوانان*. مترجم سعید ناجی. چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Goodrick, D. (2014). *Comparative Case Studies: Methodological Briefs - Impact Evaluation* No. 9,

Papers innpub754, Methodological Briefs.

<https://ideas.repec.org/p/ucf/metbri/innpub754.html>

Mayring, P. (2000). Qualitative Content Analysis. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research* 1 (2), [On-line Journal], Retrieved from <http://qualitative-research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm>.

A Study and Criticism of P4C Localization in Iran: A Comparative Reading of Leila, the Philosopher Child and Lisa

Hamide Gorgi¹, Amin Izadpanah²

Abstract

This study aims to comparatively read and analyze two novels Leila, the Philosopher Child, (Naji, 2013), and Persian translation of Lisa by Mathew Lipman for the purpose of identifying the difference between two text. We also mean to identify the P4C localization approach of the Iranian novel. In this research, we intend to know the nature of localization approach by examining the content difference between the two stories and identifying their content differences. Findings show that the changes made to the pre-text include changing of names, poems, time, place, descriptions, translation, content, relationships, contrast, omission, and addition. Both books are published by the Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), which has introduced Leila, the Philosopher child as an example of its attempts towards localization of P4C. The nature of these changes reveals that the approach of P4C content localization is dominantly purgatory, that is the changes are made to modify cultural and controversial parts of the pre-text while neglecting the fact that sometimes these changes disrupt the text and its implicit and explicit intentions. Creating original works that address Iranian children and meet the required criteria of P4C material is a more reliable approach.

Keywords: P4C, Leila the Philosopher Child, Lisa, P4C Localization, Comparative Analysis.

-
1. PhD student in Philosophy of Education, Shahid Chamran University of Ahvaz, IRAN. Corresponding Author, rahvar20@yahoo.com
 2. Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, IRAN.